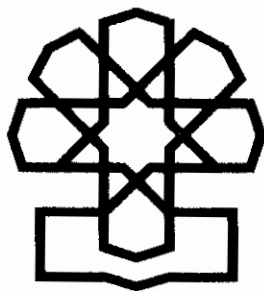




بخش مسکن و شهرسازی در برنامه
سیرم توسعه و لایحه بودجه ۱۳۸۱

در باره لایحه بودجه ۱۳۸۱ شماره ۷



معاونت پژوهشی
دفتر امور زیربنایی



شماره مسلسل

۶۳۲۵

دی ماه ۱۳۸۰

فهرست مطالب

قسمت اول: بخش مسکن، عمران شهری و روستایی در برنامه سوم توسعه ۳	
۱. بخش مسکن.....	۳
۲. عمران شهری.....	۸
۳. عمران روستایی.....	۹
قسمت دوم: بررسی تفصیلی تبصره‌های لایحه بودجه سال ۱۳۸۱.....	۱۰
تبصره ۱ امور مالی و مالیاتی.....	۱۰
تبصره ۳ - تسهیلات بانکی و امور اشتغال.....	۱۱
تبصره ۴- اصلاح ساختار اداری و مدیریت.....	۱۲
تبصره ۵- تأمین اجتماعی و امور یارانه‌ها.....	۱۲
تبصره ۶- آمایش و توازن منطقه‌ای.....	۱۳
تبصره ۱۵- مسکن.....	۱۳
تبصره ۱۶- عمران شهری و روستایی.....	۱۵

قسمت اول: بخش مسکن، عمران شهری و روستایی در برنامه سوم توسعه

۱. بخش مسکن

الف) اهداف بخش مسکن

در برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) هدف تولید مسکن به شرح جدول زیر بوده است:

جدول ۱- هدف کلی تولید مسکن در

برنامه سوم توسعه (هزار واحد)

سال	کل کشور	شهری	روستایی
۱۳۷۹	۵۱۰	۳۴۰	۱۷۰
۱۳۸۰	۵۶۰	۳۸۰	۱۸۰
۱۳۸۱	۶۲۰	۴۳۰	۱۹۰
۱۳۸۲	۶۸۰	۴۸۰	۲۰۰
۱۳۸۳	۷۴۴	۵۳۰	۲۱۴
جمع	۳۱۱۴	۲۱۶۰	۹۵۴
میانگین رشد سالانه	۹/۱	۱۱/۷	۵

براساس ارقام مندرج در جدول (۱) هدف این برنامه تولید ۵۶۰ هزار واحد مسکونی (۳۸۰ هزار واحد شهری و ۱۸۰ هزار واحد روستایی) در سال ۱۳۸۰ و تولید ۶۲۰ هزار واحد مسکونی (۴۳۰ هزار واحد شهری، ۱۹۰ هزار واحد

روستایی) در سال ۱۳۸۱ است. اهداف تفصیلی مهم دیگر به شرح جدول زیر است:

جدول ۲- برخی اهداف تفصیلی تولید مسکن در برنامه سوم

۱۳۸۱		۱۳۸۰		۱۳۷۹		اهداف
درصد	واحد	درصد	واحد	درصد	واحد	
۴۹	۲۱۱	۴۶	۱۷۵	۴۳	۱۴۶	تعداد واحد مسکونی شهری با مساحت ۱۰۰ متر مربع و کم‌تر (هزار واحد)
۳۸	۷۷/۳	۳۳	۶۳/۶	۲۹	۵۴/۴	تعداد واحد استیجاری شهری (هزار واحد)
—	۱۰۵	—	۱۰۸	—	۱۱۰	متوسط سطح زیربنای شهری (مترمربع)

ب) ارزیابی بخش مسکن

از آن‌جا که بودجه‌های سالانه باید در خدمت تحقق اهداف برنامه سوم توسعه قرار گیرند و از این مسیر وضعیت و تأمین مسکن مردم را براساس اهداف مندرج در قانون اساسی برای بخش مسکن بهبود بخشند، ارزیابی میزان تحقق این اهداف نشان دهنده کارآمدی نحوه اختصاص بودجه خواهد بود. به عبارت دیگر بررسی تبصره‌های بودجه با شاخص‌هایی چون میزان هزینه‌های صرف شده فی‌نفسه مفید نیست، بلکه باید ارتباط آن‌ها با اهداف بخش مسکن و حتی

عمران شهری مورد سنجش قرار گیرد. زیرا به طور یقین برنامه‌های مسکن اثر تعیین‌کننده‌ای بر برنامه‌های عمران شهری دارند. در ادامه به ارزیابی فعالیت‌های بخش مسکن از زاویه پیش گفته می‌پردازیم:

الف) بررسی تعداد تقاضای تولید واحدهای مسکونی در پروانه‌های صادره شده توسط شهرداری‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۹ احداث قریب ۳۵۰ هزار واحد مسکونی در این پروانه‌ها تقاضا شده است که با در نظر گرفتن عدم تحقق قریب ۱۰ درصد از تقاضاها و در نظر گرفتن دوره متوسط ساخت در ایران (نزدیک ۱/۵ سال)، این تقاضا برابر تولید ۲۳۰ هزار واحد در این سال، در مناطق شهری است. در شرایطی که هدف برنامه تولید ۳۴۰ هزار واحد مسکونی بوده است، این امر به منزله تحقق ۶۶ درصد از هدف برنامه است. در ۶ ماهه اول سال ۱۳۸۰ برای تولید ۲۱۷ هزار واحد مسکونی تقاضای پروانه شده است که حتی اگر در شش ماهه دوم نیز تقاضا به همین میزان باشد (که معمولاً کم‌تر است) به منزله تقاضای تولید حدود ۴۳۴ هزار واحد مسکونی جدید در سال ۱۳۸۰، اما تولید قریب ۲۸۰ هزار واحد مسکونی در این سال خواهد بود و حدود ۷۵ درصد از هدف برنامه سوم را تأمین خواهد کرد. قابل ذکر است که به دلیل نبود آمار ساختمان در مناطق روستایی امکان ارزیابی آن وجود ندارد.

ب) تحقق برنامه، در زمینه تأمین اهداف تفصیلی بسیار ضعیف‌تر از هدف کلی آن است. نخست این‌که متوسط سطح زیربنای واحدهای مسکونی در پروانه‌ها بسیار دور از اهداف برنامه سوم، یعنی بیش‌تر از آن است. در سال ۱۳۷۹ هدف برنامه ۱۱۰ مترمربع، اما عملکرد ۱۲۲ مترمربع بوده است. قابل ذکر است که در کشورهای بسیار مرفه، یعنی در ایالات متحده و اروپا متوسط سطح زیربنای واحد

مسکونی به ترتیب ۹۰ و ۶۰ مترمربع است. در نتیجه، تحقق هدف پیش گفته برای استفاده حداکثر از سرمایه‌گذاری‌ها و ظرفیت کارخانه‌های مصالح ساختمانی و زمین و نیز تأمین عدالت اجتماعی بسیار ضروری است. اما نحوه اختصاص بودجه برای تحقق این هدف کارآمد نیست.

قابل ذکر است، در حالی که الگوی مصرف مسکن در ایران در برنامه دوم توسعه، به درستی، برای شهرهای بزرگ ۷۵ مترمربع و برای شهرهای متوسط و کوچک ۱۰۰ مترمربع تعیین شده بود، در قانون برنامه سوم و در نتیجه در بودجه‌های سالانه، واحدهای مسکونی با مساحت مفید تا ۱۲۰ مترمربع از معافیت‌های مالیاتی و دیگر یارانه‌ها بهره‌مند شده‌اند. بدین ترتیب، نه تنها از این لحاظ عملیات ناکارآمدی وجود دارد، بلکه نحوه اختصاص بودجه با اهداف برنامه تناقض دارد.

پ) موضوع مهم دیگر این است که تولید مسکن هر چه بیش‌تر در شهر تهران متمرکز می‌شود. به طور مثال، در شهر تهران طی ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۹ بالغ بر ۳۳/۱ درصد تقاضای واحدهای مسکونی در پروانه‌های صادره ثبت شده، اما در سال ۱۳۸۰ بالغ بر ۴۰/۳ درصد این تقاضا متمرکز بوده است، در حالی که این شهر تنها ۱۸/۳ درصد جمعیت شهری کشور را در خود جای می‌دهد. به علاوه، این تقاضایی «بورس‌بازانه» است. با در نظر گرفتن این که رشد جمعیت شهر تهران به طور متوسط سالانه ۱/۴ درصد (کم‌تر از رشد طبیعی جمعیت بوده)، یا سالانه حدود ۷۰ هزار نفر یا کم‌تر از ۲۰ هزار خانوار بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود، تقاضای تولید سالانه حدود ۱۲۰ هزار واحد در سال ۱۳۷۹ یا ۱۶۵ هزار واحد در سال ۱۳۸۰ تقاضایی بورس‌بازانه است و به کار تأمین مسکن مردم حتی در شهر

تهران نمی‌آید.

ت) بودجه‌هایی که به صورت یارانه یا وجوه اداره شده برای تشویق انبوه‌سازی به کار گرفته می‌شود، در اساس تمایلات بورس بازانۀ سازندگان تهرانی را پاسخ می‌دهد. زیرا به‌عنوان مثال در شش ماهۀ اول سال ۱۳۸۰ نسبت ساختمان‌های چهار طبقه و بیش‌تر در شهر تهران ۸۰/۸ درصد و در دیگر شهرهای بزرگ (که شهر کرج نیز جزو آنهاست) ۲۰/۶ درصد و در سایر مناطق شهری (شهرهای متوسط و کوچک) ۴/۹ درصد بوده است. در حالی که سهم شهرهای بزرگ و سایر مناطق شهری از پروانه‌های صادره به ترتیب ۳۱/۹ و ۲۷/۸ درصد بوده است. در واقع انبوه‌سازی در شهر تهران رواج دارد و آن هم ناشی از تمایلات بورس‌بازانه و گرانی زمین در این شهر است (که قیمت آن چند برابر شهرهای دیگر است) و سیاستگذاری‌های بودجه‌ای نتوانسته آن را در کشور رواج دهد.

ث) موضوع قابل توجه دیگر اهداف استیجاری برنامه است که حتی بنا به گزارش‌های تهیه شده به وسیله وزارت مسکن و شهرسازی بیش از ۳۰ درصد آنها متحقق نشده است.

قابل توجه است که همواره از شروع گسترده‌ی احداث ساختمان‌های جدید استیجاری به وسیله‌ی این وزارتخانه به عنوان امری مثبت یاد می‌شود، در حالی که در گذشته این شروع گسترده به اتمام ساختمان‌ها نینجامیده است. به دلیل مکان‌گزینی‌های نادرست و نبود سازمان و نظام صحیح جذب مشارکت بخش خصوصی و بانک‌ها و نیز بهره‌برداری و فشار هزینه‌های بالای آنها برای دولت، پروژه‌ها به اتمام نمی‌رسد و بعد از اتمام هم به صورت اجاره به شرط تملیک در

اختیار میان درآمدها قرار می‌گیرد و نه کم‌درآمدها. به علاوه، در راهکارهای اجرایی برنامه سوم، کاهش فعالیت دولت در این زمینه در دستور کار قرار گرفته است.

ج) علاوه بر ناکارآمدی‌های بالا هنوز برای تحقق راهکارهای اجرایی دیگر برنامه سوم در بخش مسکن، چون مسکن کم درآمدها (که حتی به گفته بانک جهانی ایران از معدود کشورهایی است که فاقد نظام بودجه‌ای و مالی تأمین مسکن کم درآمدها است) تعاونی‌های مسکن، صرفه‌جویی انرژی، ضابطه‌مند کردن تولید ساختمان، تنظیم بازار و زمین و... راه‌حل‌های مناسب یا عملیاتی ارائه نشده است. همین موضوع و اوج بورس‌بازی به جای تولید فراگیر مسکن، باعث بالا رفتن بهای مسکن و گسترش حاشیه‌نشینی یا اسکان غیررسمی در شهرهای تهران، مشهد، اراک، بندرعباس، اهواز، زاهدان و... شده است.

۲. عمران شهری

بخش عمران شهری علی‌رغم آن‌که شامل برنامه‌ریزی فضایی (کالبدی) و مسائل مدیریت شهری در ایران و از شروط مهم توسعه پایدار است، از لحاظ اهداف کمی و شاخص‌های نظارتی به هیچ وجه پاسخگوی این وظیفه بخشی نیست، هر چند که در راهبردها و راهکارهای اجرایی آن نیز منعکس است. در این بخش در حالی که از موضوعاتی چون «جلوگیری از ایجاد عدم تعادل‌های جمعیتی - سکونت‌ی پیرامون شهرهای بزرگ»، «اصلاح ساختار تشکیلات شهرداری‌ها»، «پیشنهاد منابع مالی جدید برای اجرای طرح‌های توسعه و عمران شهری و روستایی و تقویت مالی شهرداری‌ها»، «جامع‌نگری به چرخه آب در مراکز جمعیتی» و... سخن رفته

است، هیچ شاخص و هدف کمی برای نظارت بر آنها وجود ندارد. وزیر مسکن و شهرسازی نیز در انتخاب مجدد خود به غفلت از این موضوعات در ۴ ساله اول وزارت خود معترف بوده است. در نتیجه، همراه با ارائه فصول کلی، این وزارتخانه باید مکلف شود با همکاری وزارت کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مرکز پژوهش‌های مجلس ظرف ۶ ماه شاخص‌های اصلی نظارت و برنامه‌های مربوطه را به طور تفصیلی ارائه کند.

۳. عمران روستایی

ردیف‌های کمی برنامه عمران روستایی نیز به هیچ وجه پاسخگوی گستره و مسائل مطروحه در عمران روستایی نیست و در عمل حوزه دفتر امور مناطق محروم کشور و نیز امور عشایری را در بر می‌گیرد. در واقع جایگاه عمران روستایی در برنامه‌ریزی فضایی کشور مشخص نیست و در نهایت برنامه‌ای فراگیر برای پیوند فضایی آنها به شبکه شهری و خدماتی کشور وجود ندارد. دستگاه‌های مختلف فعال در حوزه روستایی، هر یک عمران روستایی را به گونه‌ای تعریف می‌کنند و مدیریت واحد جوابگوی آن وجود ندارد. تجربه ناموفق دفتر امور مناطق محروم کشور که عمران روستایی را به صورت پروژه‌ای و جدا از دستگاه‌های دیگر تعریف می‌کند، علی‌رغم صرف هزینه‌های بسیار، ناکارآمدی این رویکرد را به اثبات رسانده است. یعنی عمران روستایی در غیرمناطق محروم تعریف نشده و دارای مدیریت نیست و در مناطق محروم نیز مدیریت منفصل آن از دیگر دستگاه‌ها، ناکارآمد، مسأله‌آفرین و باعث اتلاف منابع است. علاوه بر این، تعریف جامع و قابل قبولی از محرومیت یا توسعه‌نیافتگی وجود ندارد. در این

بخش نیز اعتبار ردیف‌های موجود، باید در صورتی تصویب شود که وزارت مسکن و شهرسازی با همکاری وزارت کشور، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مرکز پژوهش‌های مجلس ظرف مدت ۶ ماه برنامه‌ای با شاخص‌های جامع تهیه کنند.

قسمت دوم: بررسی تفصیلی تبصره‌های لایحه بودجه سال ۱۳۸۱

تبصره ۱- امور مالی و مالیاتی

● بند «د» - جزء ۳

در مورد این بند دو نکته قابل ذکر به نظر می‌رسد:

نخست، طرح جدید کمک به آماده‌سازی‌های مسأله دار است (شماره ۳۰۸۰۷۲۱۰) که با برآورد اعتبار ۳۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۱ ارائه شده است. با در نظر گرفتن مسأله بزرگ و گسترش یابنده حاشیه‌نشینی (اسکان غیررسمی) در شهرهای ایران که در بسیاری از شهرها حدود ۳۰ درصد مسکن موجود و نیمی از مسکن جدید را به خود اختصاص داده است، اعتبار آن باید به حدود ۱۰ برابر افزایش یابد تا پاسخگوی طرحی باشد که هم اکنون در نهاد ریاست جمهوری مراحل تصویب خود را می‌گذرانند و وزارت کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزارت مسکن و شهرسازی (به عنوان ارائه‌کننده طرح) مسئول پی‌گیری آن هستند.

دوم، طرح‌های شماره‌های ۳۱۰۰۲۲۲۰ تا ۳۱۰۰۲۲۲۲ است که به ارتقای مناطق کم‌تر توسعه یافته می‌پردازد. به طور مسلم این طرح‌های ضروری باید در

چارچوب برنامه‌های توسعه فضایی (کالبدی و آمایشی) قرار گیرند تا مئثرمر باشند. در غیر این صورت، همچون طرح‌های امور مناطق محروم ناکارآمد خواهند شد. به همین دلیل باید با وزارت مسکن و شهرسازی به عنوان مسئول تهیه طرح‌های فضایی و کالبدی کشور و شورایعالی شهرسازی و معماری هماهنگی‌های لازم صورت گیرد.

● بند «خ» - اجزای ۱ و ۲

روال گذشته دستگاه‌های مربوطه است و صرفاً باید شاخص‌های نظارتی بر هزینه‌ها را کارآمدتر کرد.

تبصره ۳ - تسهیلات بانکی و امور اشتغال

● بند «ز»

نظام بانکی کشور مکلف است در سال ۱۳۸۰ به ۳۵ هزار نفر از آزادگان، خانواده معظم شهدا و جانبازان بیست و پنج درصد به بالا تسهیلات بانکی اعطا نماید. باید مشخص شود که این پوشش می‌تواند هدف ماده ۱۴۱ برنامه سوم را متحقق کند. در این بند باید مشخصات و شرایط وام نیز ذکر شود و گرنه تصویب آن ضرورتی نخواهد داشت و از آن‌جا که در بند «ع» همین تبصره شرایط آن ذکر شده است، این دو بند باید ادغام شوند.

● بند «ط»

اعتبارات پیش‌بینی شده در برنامه «کمک‌های فنی اعتباری» در فصل مسکن (۳۰۸۳۰) در اساس به انبوه سازان بخش خصوصی در تهران اختصاص می‌یابد و تعاونی‌های مسکن از آن بی‌بهره‌اند و نهادسازی لازم نیز برای مسکن کم‌درآمدها

صورت نگرفته است. این موضوع به بندهای «ی»، «ک»، «ل» و «م» نیز مربوط می‌شود. زیرا اگر نهادهایی لازم برای مسکن کم درآمدها و بهسازی شهری آن‌ها صورت گیرد (طرح آن در نهاد ریاست جمهوری مراحل تصویب را می‌گذرانند) علاوه بر ایجاد اشتغال با توسعه تولید مسکن، برای ایجاد اشتغال در دیگر بخش‌ها (تجاری و صنعتی) نیز فضای لازم ساخته می‌شود.

● بند «ع» و «ص»

دچار ناکارآمدی در نهادهایی است و به همین دلیل علی‌رغم پیگیری‌های گذشته در مورد خانواده معظم شهدا و... و فرهنگیان مسائل حاد آن‌ها باقی است.

تبصره ۴- اصلاح ساختار اداری و مدیریت

● بند «الف»

وزارت مسکن و شهرسازی اصولاً در نهادهایی در بخش تعاونی و مسکن کم درآمدها (با جلب مشارکت آن‌ها) گام عملی و مؤثری برنداشته و در زمینه بخش خصوصی دچار ناکارآمدی است. باید در نظر داشت که تعاونی‌های مسکن در ایران فقط در محیط کار بزرگ (کارگاه بزرگ) مجاز است و در نتیجه ۶۰ درصد از جامعه بیرون از دامنه مشارکت قرار می‌گیرند.

تبصره ۵- تأمین اجتماعی و امور یارانه‌ها

● بند «ن»

سازمان تأمین اجتماعی باید ابتدا در مورد تعاونی‌های مسکن به نهادهایی پیردازد و با مشارکت وزارت تعاون، ایجاد تعاونی‌های مسکن غیرمحیط کار را (در

محیط جغرافیایی یا جماعتی) نیز ممکن سازد. با در نظر گرفتن برنامه آینده فراگیر شدن این سازمان، این امر ضروری است، زیرا تعاونی‌های مسکن را فعال می‌کند و زمینه مشارکت را که در بند «الف» نیز ذکر شده بود فراهم می‌آورد.

تبصره ۶- آمایش و توازن منطقه‌ای

این تبصره بسیار مهم همان‌طور که در مورد تبصره ۱ بند «د» جزء ۳ ذکر شد تماماً باید با مشارکت وزارت مسکن و شهرسازی صورت گیرد، زیرا به موجب قانون مسئول تهیه طرح‌های جامع سرزمینی یا فضایی - کالبدی در کشور این وزارتخانه است و این طرح‌ها را در دست تهیه یا اجرا دارد.

تبصره ۱۵- مسکن

● بند «ب»

تداوم یک برنامه ناموفق برای احداث واحدهای مسکونی استیجاری به وسیله دولت است که باید هر چه زودتر متوقف و به برنامه‌های سازشی بخش خصوصی و تعاونی و به ویژه مسکن کم درآمد تبدیل شود.

در مورد بند «ب» - جزء ۱ پیشنهاد می‌شود که تمام آن به چارچوب بند «ب» جزء ۲ تبدیل شود. یعنی زمین به وسیله دولت فروخته نشود، بلکه به اجاره داده شود تا ذخیره زمین باقی بماند و دولت خلاف روح قانون زمین شهری عمل نکند و به رانت‌گیر تبدیل نشود و مهم‌تر از همه باعث افزایش چشم‌گیر قیمت زمین نشود، زیرا به موجب آمار منتشره به وسیله مرکز آمار ایران و وزارت مسکن و شهرسازی بهای زمین در شهر تهران در بهار ۱۳۸۰ نسبت به بهار ۱۳۶۹ بالغ بر

۷۱/۶ درصد افزایش داشته و در شهرهایی چون بندرعباس این افزایش ۱۰۰/۹ درصد بوده است.

● بند «ج»

در مورد راهاندازی همه جانبه و کارآمدسازی شهرهای جدید است که تاکنون وزارت مسکن و شهرسازی در آن موفق نبوده و باید سیاست‌های جدیدی به کار گرفته شود، هر چند شورای نگهبان لایحه مربوطه را رد کرده است که باید هر چه زودتر اشکالات تصویب آن برطرف شود. در این میان تهیه و تدوین طرح جامع سرزمینی که بین برنامه‌های مسکن و شهری پیوند ایجاد کند شرط لازم برای موفقیت شهرهای جدید است. شرط کافی آن نیز هماهنگی دستگاه‌های بخشی در شهرهای جدید است که در لایحه پیش گفته عنوان شده است.

● بند «د»

اجاره به شرط تملیک روش مناسبی برای واگذاری زمین است، اما واگذاری زمین به قیمت روز برای امور عمومی خلاف قانون زمین شهری و وظایف سازمان ملی زمین و مسکن است و «رانت خواری» این سازمان یا دولت محسوب می‌شود. واگذاری زمین‌های تملک یا تملیک شده به وسیله دولت، به قیمت روز، به جای تنظیم بازار زمین، قیمت آن را افزایش می‌دهد و باعث بروز بحران در بخش مسکن شهری می‌شود. زمین باید به قیمت تمام شده (یعنی هزینه عملیاتی به علاوه هزینه‌های آماده سازی) به بخش عمومی واگذار شود.

تبصره ۱۶- عمران شهری و روستایی**● بند «الف»**

برای صرف اعتبارات باید نهادهای لازم به صورت مدیریت ثابت یا پایدار صورت گیرد. روش پروژه‌های صرف اعتبارات، ناکارآمدی خود را ثابت کرده است و دفتر امور مناطق محروم نمی‌تواند مجری خوبی برای ارتقای مناطق توسعه نیافته باشد.

همچنین تعریف مناطق توسعه نیافته باید با مشارکت وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت کشور و در چارچوب طرح‌های ملی - منطقه‌ای و در پیوند با شبکه‌های شهری صورت پذیرد. این موضوع در مورد بندهای «ب» و «ج» نیز صادق است.

● بند «ز»

تصویب این بند بدون ذکر زمان تصرف در گذشته، باعث تشویق تصرف عدوانی می‌شود.

اعتبارات طرح‌های عمرانی فصل تأمین مسکن (میلیون ریال)

توضیحات	ملی + استانی (تملك دارایی‌های سرمایه‌ای)	ملی			عنوان	شماره
		درصد تغییر	برآورد ۱۳۸۱	مصوب ۱۳۸۰		
اعتبارات استانی ۳۴ درصد ملی است. قبلاً بودجه نداشته است.	۸۰۱۹۳۳	+۳/۵	۵۹۸۲۰۰	۵۷۸۲۰۰	فصل تأمین مسکن	۳۰۸۰۰
	—	۱۰۶/۷	۶۰۳۶۲	۲۹۲۰۰	برنامه خانه‌های سازمانی کارمندان	۳۰۸۰۲
	—	—	۵۰۰۰	۵۰۰۰	کمک به مسکن محرومان	۳۰۸۰۳
	—	—	۹۰۰۰	۹۰۰۰	کمک‌های اعتباری برای تأمین مسکن	۳۰۸۰۴
	—	—	۱۷۰۰۰	۱۷۰۰۰	مسکن روستایی	۳۰۸۰۶
	∞	∞	۳۰۰۰۰	—	هماهنگی امور زمین و مسکن	۳۰۸۰۷
	—	—	۴۷۶۸۳۸	۵۱۸۰۰۰	کمک‌های فنی و اعتباری	۳۰۸۲۰

* اعتبارات استانی مسکن مربوط به تکمیل شهرک مهدیه قم و احداث ۲۶۲ واحد مسکونی برای طلاب خارجی در استان قم و احداث ۵۰۰ واحد خانه‌های سازمانی نیروی انتظامی در استان تهران است.

اعتبارات طرح های عمرانی فصل عمران نوسازی روستاها (میلیون ریال)

توضیحات	ملی + استانی (تملك دارایی های سرمایه ای)	ملی			عنوان	شماره
		درصد	برآورد	مصوب		
اعتبارات استانی ۴۹ برابر اعتبارات ملی است و شامل برق رسانی، آب آشامیدنی و راه های روستایی می شود. (اعتبارات بند ل تبصره ۲۱ سال ۱۳۸۱)	۱۷۶۲۹۱۷	+۳۳/۸	۳۴۸۰۰	۲۶۰۰۰	فصل عمران نوسازی روستاها	۳۰۷۰۰
		+۲۳/۹	۲۲۳۰۰	۱۸۰۰۰	بازسازی و نوسازی کالبد روستاها (برنامه مدیریت توسعه روستاها)	۳۰۷۰۱
		+۵۶/۲	۱۲۵۰۰	۸۰۰۰	برنامه احداث راه های روستایی	۳۰۷۰۶

